



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A Study of the Stylistic Features of Saghar Kangavari's Divan

A. Naderifar*, Z. Haidari Fard

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 16 March 2021

Reviewed: 18 April 2021

Revised: 01 May 2021

Accepted: 17 June 2021

KEYWORDS

Saghar, Stylistics,
Kermanshah School,
Collection of Poems

*Corresponding Author

✉ a.naderifar@razi.ac.ir

☎ (+98 83) 34277605

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Mirza Jafar Kangavari whose nickname is Saghar is one of the great intellectuals and poets of the Kermanshah Literary school in the thirteenth century, it coincides with the rule of the Qajar dynasty in Iran. He is one of the prominent poets of the return period and also one of the influential figures in the formation of this school in Kermanshah area, whose scientific and literary rank is not well known. His collection of poems has been composed in the form of Gazelles and quatrains, the main purpose of this article is to determine the coordinates of style and innovations in these poems.

METHODOLOGY: The present study is based on descriptive and analytical studies, library and documentary search. The scope and community of the study of Saghar Kangavari Divan is the description, annotation, commentary and correction of Mohammad Ebrahim Malmir and Maryam Ghafourian, which has been published by Ansari Publications.

FINDINGS: Innovation in the field of word composition and the poet's mystical taste for natural phenomena has found a special manifestation in Saghar's poetry. Citing the rich sources of Quranic culture, national myths, as well as recalling the historical sites and popular culture are other characteristics of Saghar's poetry. The use of similes, metaphors, metaphors and illusion also have a high frequency in Saghar's poetry, which in general have created new images and subtle and pleasant themes.

CONCLUSION: Saghar's lyric poems are clearly and eloquently Khorasani style in terms of linguistic allusions and mostly follow the style of Hafez, Saadi, and Vahshi Bafghi's poems. Also, in terms of content, these lyric poems include romantic feelings and mystical emotions in the style of the ancient Iraqi school. In his quatrains, Saghar beautifully repeats the same themes that have been mentioned in his lyric poems.

DOI: [10.22034/bahareadab.2022.15.5505](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.15.5505)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 10	 7	 3

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

بررسی ویژگی‌های سبکی دیوان ساغر کنگاوری

عبدالرضا نادری فر*، زینب حیدری فرد

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: میرزاجعفر کنگاوری متخلص به ساغر از عالمان و شاعران بزرگ مکتب ادبی کرمانشاه در قرن سیزدهم، مقارن با حکومت سلسله قاجاریان در ایران است. وی از شاعران برجسته دوره بازگشت و نیز از تأثیرگذاران شکل‌گیری این مکتب در دیار کرمانشاه است که مرتبه علمی و ادبیش چندان شناخته‌شده نیست. دیوان اشعار او در قالب غزل و رباعی سروده شده که هدف اصلی این جستار نیز تعیین مختصات سبکی و نوآوری‌های موجود در این اشعار است.

روش مطالعه: پژوهش حاضر بر مبنای مطالعات توصیفی و تحلیلی، بشیوه جستجوی کتابخانه‌ای و اسنادی انجام گرفته است. محدوده و جامعه مورد مطالعه دیوان ساغر کنگاوری به شرح، تحشیه، تعلیقه و تصحیح محمدابراهیم المیر و مریم غفوریان است که توسط انتشارات انصاری بچاپ رسیده است.

یافته‌ها: نوآوری در زمینه ترکیب واژگان و نگاه سرشار از ذوق عرفانی شاعر به پدیده‌های طبیعت در شعر ساغر نمود خاصی پیدا کرده است. استناد به منابع غنی فرهنگ قرآنی، اسطوره‌های ملی و نیز یادآوری اماکن تاریخی و فرهنگ عامه از دیگر مشخصات شعر ساغر بشمار می‌روند. کاربرد تشبیه، استعاره، مجاز و ایهام نیز بسامد بالایی در شعر ساغر دارند که در مجموع سبب ایجاد تصاویر نو و مضامینی لطیف و دلنشین شده‌اند.

نتیجه‌گیری: غزلیات ساغر بلحاظ اشارات زبانی به وضوح و شیوایی سبک خراسانی و بیشتر پیرو سبک اشعار حافظ، سعدی، و وحشی بافقی است. همچنین این غزلیات بلحاظ مضمون و محتوا شامل احساسات عاشقانه و عواطف عارفانه به سبک قدمای مکتب عراقی است. ساغر در رباعیات خود نیز به زیبایی هرچه تمامتر به تکرار همان مضامینی می‌پردازد که در غزلیاتش مطرح شده‌اند.

تاریخ دریافت: ۲۶ اسفند ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۲۹ فروردین ۱۴۰۰

تاریخ اصلاح: ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۷ خرداد ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

ساغر، سبک‌شناسی، مکتب کرمانشاه، دیوان اشعار

* نویسنده مسئول:

a.naderifjar@razi.ac.ir

☎ ۳۴۲۷۷۶۰۵ (۸۳ ۹۸+)

مقدمه

به گواهی تاریخ، زبان و ادبیات فارسی پس از گذر از سبکهای خراسانی، عراقی و هندی وارد مرحله‌ای تازه از کمال خود یعنی دوران بازگشت ادبی در عصر قاجار و پیش از آن شد. از امتیازات این عصر، آن است که شاعران و نویسندگان به دلایل تاریخی، اجتماعی و دلایل دیگر، روش استادان سبک خراسانی و عراقی را در انتخاب الفاظ و معانی برگزیدند و از همین رو آن را سبک دوره بازگشت نامیده‌اند. در بررسی علل گرایش سخنوران این دوره بشیوه پیشینیان باید خاطرنشان کرد که پس از آنکه در سبک هندی ظرافت اندیشه، نازک‌خیالی و باریک‌بینی به کمال خود رسید، نظم فارسی عملاً دچار تعقیداتی شده بود که اگر شعرای بعدی هم میخواستند همین راه را بپیمایند، شعر فارسی صورت معما و لغز را پیدا میکرد و مقاصدی که از ادبیات ملل و اقوام منظور است حاصل نمیشد. برای رهایی از این بن‌بست، چندی پیش از آغاز عصر قاجاریه تعدادی از شاعران بعنوان پیشروان سبک بازگشت ادبی به آیین و روش شعرای قرون اولیه سخن گفتند و معانی ملایم را با اصطلاحات و الفاظ ساده بکار بردند (سبک شعر در عصر قاجار، تجربه‌کار: ص ۴۰). به عبارت دقیقتر «جنبش بازگشت که در نیمه دوم قرن دوازدهم یعنی در اواخر دوره سلطنت افشاریه بوجود آمده بود، در عهد کریم‌خان زند رواج زیادی پیدا کرد اما اوج دوره بازگشت در زمان قاجار است؛ زیرا پادشاهان قاجار علاوه بر شعردوستی، گاه خود نیز شاعر بودند» (فروغی بسطامی و غزل بازگشت، اوپسی: ص ۷). رواج امر شاعرپروری توسط حاکمان قاجاری بشیوه اعطای صله به سخنوران، در کنار وجود مدارس و مراکز ادبی در شهرهای بزرگ ایران سبب ظهور تعداد کثیری از شاعران استاد در دوره قاجار و بیادگار ماندن دیوانها و منظومه‌های بزرگ از آنها شده است. در بررسی دیوانهای شعری بجامانده از دوران بازگشت، این نکته دقیق را نباید از نظر دور داشت که شاعران عصر قاجار هیچ‌گاه در صدد ایجاد مکتبی نو و خاص نبوده‌اند. در اندیشه آنان رهایی ادبیات ایران از بن‌بستها و پیچیدگیهای سبک هندی وجهه همت قرار گرفته، از همین رو شعر این دسته از شاعران با سبک شعری سخنورانی که از آنان تقلید کرده‌اند، تفاوت چندانی ندارد. گستره وسیع شعر دوره بازگشت بلحاظ جغرافیایی و همچنین تعدد فراوان شاعران سبب ناشناخته ماندن بسیاری از آثار ارزشمند و گرانبهای این دوره شده است. میرزا جعفر کنگاوری یکی از همین شاعران گمنام دوره بازگشت است که زندگی و سبک شعری او تنها در تعداد انگشت‌شماری از تذکره‌ها معرفی شده است؛ از همین رو چندان شناخته‌شده نیست. در این پژوهش بر آنیم سبک شعری و جایگاه کم‌نظیر او را در سبک دوره بازگشت ادبی مورد بررسی و تحقیق قرار دهیم.

سابقه پژوهش

طبق بررسیها، جز آنچه در کتابهای تاریخ ادبیات یا تذکره‌ها درباره زندگی ساغر کنگاوری آمده، پژوهش مستقلی در رابطه با این شاعر صورت نپذیرفته است. دیوان اشعار میرزا جعفر کنگاوری تحت عنوان *باده‌الست*، تنها کتابی است که با دربرداشتن مجموعه کامل اشعار این شاعر در سال ۱۳۹۲ با شرح، تعلیقه، تحشیه و تصحیح محمدابراهیم المیر و مریم غفوریان برای نخستین بار بچاپ رسیده است. بنابراین این پژوهش را میتوان نخستین تحقیقی دانست که بصورت مستقل به بررسی ویژگیهای سبکی در دیوان اشعار ساغر کنگاوری پرداخته است.

بحث و بررسی

احوال ساغر کنگاوری

آقامیرزا جعفر کنگاوری از عالمان و شاعران بزرگ مکتب ادبی کرمانشاه در دوره قاجار است که ظاهراً در قصر شیرین

دیده بجهان گشوده و در کنگاور سکنی گزیده است و چون «ساغر» و در برخی موارد «ساغرا» تخلص مینموده به ساغر کنگاوری معروف شده است. او بر مبنای شواهد، برادر «میرزا اشرف»، منشی محمودمیرزای قاجار، بوده که بجهت پایمردی او و دانش و فضل بسیار خود، به معلمی مسعودمیرزا، فرزند ارشد محمودمیرزا، برگزیده میشود (مقدمه دیوان ساغر، مالمیر و غفوریان). میرزاجعفر کنگاوری علاوه بر درک محضر بسیاری از علما و حکمای ایران و از آن جمله علما و حکمای اصفهان، مدتی نیز به کربلای معلی و نجف اشرف مسافرت کرده و در مکتب فقه و اصول علمای آنجا به کسب دانش پرداخته است (همان: ص ۱۷). صاحب سفینه /المحمود معتقد است ساغر کنگاوری با مبانی مهم فلسفه، حکمت، حدیث و تفسیر بخوبی آشنایی داشته و همچنین در تحریر شکسته دارای ید طولانی بوده‌است (سفینه‌المحمود، محمودمیرزا: ص ۳۷۳).

شیخ‌الملوک، شیخ‌علی میرزا (شاپور قاجار) (۱۲۶۳-۱۲۱۰ ق) و محمودمیرزا قاجار (۱۲۷۱-۱۲۱۴ ق) دو تن از شاهزادگان قاجار هستند که ساغر کنگاوری در ضمن غزلیات خود به مدح آنها پرداخته است. تاریخ دقیق ولادت و وفات این شاعر کرمانشاهی بطور دقیق معلوم نیست و تنها با توجه به دوره زندگی ممدوحان او میتوان گفت که ساغر از شاعران قرن ۱۳ ه. ق است.

سبک‌شناسی دیوان اشعار ساغر کنگاوری

ساغر کنگاوری بدون تردید یکی از شاعران بلندهمت مکتب ادبی کرمانشاه در دوران بازگشت ادبی است. دیوان فعلی او دارای ۳۶۹ غزل و ۲۹ رباعی است که مجموعاً شامل ۲۵۲۶ بیت است. این مسئله درحالی است که برخی منابع تعداد ابیات دیوان او را تا هفت هزار بیت شمرده‌اند (حدیقه الشعراء، بیگی شیرازی: ص ۷۲۳). درصورت صحت این ادعا میتوان گفت سرنوشت حدود ۴۵۰۰ بیت از اشعار ساغر بر ما نامعلوم است. غزلیات ساغر بلحاظ اشارات زبانی به وضوح و شیوایی سبک خراسانی و بیشتر پیرو سبک اشعار حافظ، سعدی، وحشی بافقی و ... است. همچنین این غزلیات بلحاظ مضمون و محتوا شامل احساسات عاشقانه و عواطف عارفانه به سبک قدمای مکتب عراقی است. ساغر در رباعیات خود نیز به تکرار همان مضامینی میپردازد که در غزلیاتش مطرح شده‌اند. او در توصیف جمال معشوق، وصال و هجران او، میکده و باده‌نوشی، زاهدگری و بعضاً مضامین عرفانی به همان زیبایی و دلنشینی غزلیات عمل میکند. در این پژوهش تلاش شده تا حد ممکن ویژگیهای سبکی این دیوان در قلمروهای سه‌گانه زبانی، ادبی و فکری استخراج و مورد بررسی قرار گیرند.

ویژگیهای زبانی

سطح آوایی

موسیقی بیرونی (وزن- بحر): نخستین عاملی که سبب پی‌ریزی موسیقی شعر میشود، وزن است. وزن بر کاهش کشش ذهنی، بجهت ایجاد چارچوبی مشخص و دقیق، باعث ایجاد التذاذ نفس نیز میشود. این امر بدان جهت است که اجزای درهم‌آمیخته و نامنظم شعر از طریق وزن به تناسب و قرینه‌هایی میان خود دست مییابند که ادراک و فهم مجموع آنها را آسانتر و وسیعتر میکند و همین مسئله در خوانندگان باعث شکلگیری احساس لذت ادبی خواهد شد (وزن شعر فارسی، ناتل خانلری: ص ۱۶).

در بررسی پنجاه غزل از مجموعه ۳۶۹ غزل در دیوان ساغر، تنوع اوزان بکاررفته در آنها، قابل توجه مینماید. شاعر غزلیات خود را در دوازده نوع وزن که شامل پنج بحر پرکاربرد هستند سروده است. از این میان بحر هزج با زحافات آن پربسامدترین و بحر خفیف کمبسامدترین بحر در اشعار ساغر شناخته شده‌اند. تعداد کل هر بحر در میان پنجاه غزل از دیوان ساغر:



اوزان و بحور ۵۰ غزل از دیوان ساغر کنگاوری

ردیف	وزن	بحر	بسامد	درصد
۱	مفاعیلن مفاعیلن فعولن	هزج مسدس محذوف	۸	٪۱۶
۲	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	هزج مثنیٰ سالم	۵	٪۱۰
۳	مفعول مفاعیلن فعولن	هزج مسدس اُخرب مقبوض محذوف	۴	٪۸
۴	مفعول مفاعیلن مفاعیلن فعولن	هزج مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف	۴	٪۸
۵	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مسدس محذوف	۷	٪۱۴
۶	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن	رمل مثنیٰ مخبون محذوف	۵	٪۱۰
۷	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مثنیٰ محذوف	۲	٪۴
۸	فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن	رمل مثنیٰ مشکول	۱	٪۲
۹	مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن	مجتث مثنیٰ مخبون محذوف	۷	٪۱۴
۱۰	مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فاعلاتن	مجتث مثنیٰ مخبون	۱	٪۲
۱۱	مفعول فاعلاتن مفاعیلن فاعلن	مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف	۴	٪۸
۱۲	فعلاتن مفاعیلن فعلن	خفیف مسدس مخبون	۲	٪۴

موسیقی کناری (قافیه- ردیف)

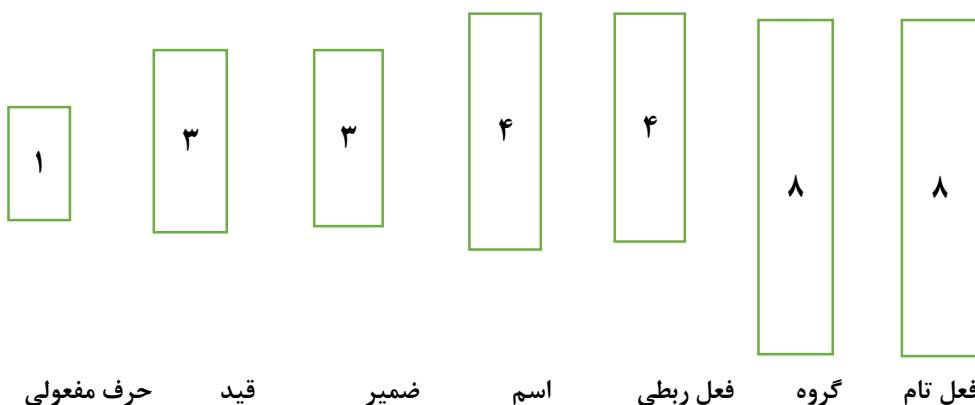
قافیه: قافیه در شعر ساغر علاوه بر القای موسیقی به ذهن مخاطب، در انتقال عواطف شاعرانه و نیز استحکام ابیات مؤثر بوده است. از امتیازات شعری غزل ساغر استفاده از الفاظ زیبا، پرمحتوا، ساده و به دور از تکلف در جایگاه قافیه است که باعث قوت انسجام صوری در ابیات شده است. مانند قافیه قرار دادن واژگانی چون نگار، اعتبار، شرار، تابدار، گل‌عذار، خوش‌گوار و شهریار. مسئله تکرار قافیه از مواردی است که شاعران دوره بازگشت کمابیش به آن پرداخته‌اند. در میان غزلیات بررسی‌شده از ساغر تنها در یک مورد به تکرار قافیه برمیخوریم که این امر نیز در جای خود برگرفته از استحکام ساختار عمودی غزلیات وی است.

به دشنامی نمودی یاد ما را شنیدی گویا فریاد ما را
غم عالم کسان را چون کند یاد کند از مهر اول یاد ما را
(همان: ص ۳۲)

بسامد انواع قافیه در غزلیات ساغر در جدول زیر نشان داده شده است:

ردیف	نوع قافیه	بسامد	درصد
۱	اسم	۴۰	۸۰٪
۲	اسم و فعل (ترکیبی)	۶	۱۲٪
۳	فعل	۴	۸٪

ردیف: بسیاری از ادب‌شناسان بر این باورند که تکرار کلمات همگون در انتهای مصراعها دارای جنبه موسیقایی است و نه تنها در اكمال موسیقی قافیه مؤثر است بلکه با عنایت به فعل، اسم یا حرف بودن آن، در تکمیل معانی و مفاهیم موجود در بیت نیز نقش مهمی ایفا میکند. (فرهنگ موسیقی شعر، ذوالفقاری: ص ۱۳۱).
با نگاهی به اشعار ساغر، مردف بودن ۳۱ مورد از ۵۰ غزل بررسی‌شده را، که معادل با ۶۲٪ از مجموع آنهاست، مشاهده میکنیم. تنوع انواع ردیف و خصوصاً بسامد بالای ردیفهای فعلی و گروهی در اشعار ساغر سبب تهییج مخاطب، تأثیر عمیق اندیشه، انتقال سریع و باورپذیری بیشتر آنها شده است.
نمودار بسامد انواع ردیف در غزلیات ساغر:



در ذیل نمونه‌هایی از انواع ردیفهای شعری ساغر آورده شده است:

ردیف گروهی:

گفت دل در کوی او میکن گذر، گفتم به چشم گفت از من ساز او را باخبر گفتم به چشم
(دیوان ساغر: ۴۴۵)

ردیف قیدی:

به کوی او صبا از من رسان آهسته آهسته سلامی پس ببوس آن آستان آهسته آهسته
(همان: ۵۲۱)

موسیقی درونی

تکرار کلمه: تکرار در معنای دوباره یا چندباره آوردن واژه از انواعی است که ساغر بسیار به آن توجه و علاقه ابراز داشته و از این طریق بخوبی توانسته بر موسیقی درونی، خیال‌آفرینی، بیان مفاهیم و تأثیر سخنانش بیفزاید.

خمار غم نموده سرگرانم بده ساغر به ساغر ساغری چند
(همان: ۲۸۴)

انواع جناس: بکار بستن تفننهای فراوان در ایجاد انواع جناس گویای آن است که ساغر از طریق بازی با کلمات، قصد هنرنمایی و نمایش مهارت‌های علمی و ادبی و اعجاز بیانی خود را داشته است.

جناس تام:

داشتم من طمع بوسه هرروزه شدم سال و ماهی به نگاه رخ ماهی قانع
(دیوان ساغر: ۳۵۸)

جناس زاید:

به جلوه قد و قامت بپا کنی تو قیامت چه قامت است که داری قیامت است یا اقامت
(همان: ۲۰۰)

* جفت واژه‌های (قامت- قیامت) و (قامت- اقامت) دارای جناس زاید است.

جناس مُحَرَّف:

از درد درد هجرش دارم به سر خماری مطرب بیار چنگی ساقی بده زلالی
(همان: ۵۵۳)

جناس مکرر:

خط است آنکه سرزده گرد عذار تو یا آنکه گلشن رخت آورده خار بار
(دیوان ساغر: ۳۰۷)

جناس اشتقاق:

به مدح شاه شاپور امشب ای دل گهرها کرده‌ام در نظم منظوم
(همان: ۴۷۲)

نغمه حروف (هم‌حروفی یا واج‌آرایی)

نغمه حروف در مصوتها:

خداوندا به کام دل رسان آن باغبانی را که در گلشن دهد ره بلبل بیخانمانی را
به این شکرانه کآمد سوی بازار از گلستان گل بخوان از عشق ای مرغ قفس یک داستانی را
(همان: ۶۶)

* در این دو بیت مصوت بلند (ا) بیست مرتبه تکرار شده است.

نغمه حروف در صامتها:

عشق دریایی است هرکس قطره‌ای از وی بنوشد چشمه چشمه از دو چشمش خون دل باید
عاشق مشتاق نتواند نظر از دوست بندد بجوشد
هم‌چنان تشنه است مستسقی اگر دریا بنوشد
(دیوان ساغر: ۲۷۵)

* در این دو بیت نیز صامت (د) دوازده مرتبه و صامت (ش) یازده مرتبه تکرار شده است.

مراعات نظیر (تناسب): ساغر از طریق ایجاد شبکه‌هایی گسترده از واژگان متناسب در بیشتر ابیات خود بدنبال
نغمه‌آفرینی و مضمون‌پردازی است. بعضی از ابیات او در این زمینه در زمره شاهکارهای ادب فارسی بشمار می‌آیند.
کمان عشق تو آن کس کشد که از دل و جان سپر کند سر خود را به پیش تیر ملامت
فغان که سروقدانم ز هر طرف پی دینند به روی و موی و خط و خال و چشم و ابرو و قامت
(همان: ۲۱۵)

* میان واژه‌های (دل - جان)، (کمان - سپر - تیر) و (سر - روی - موی - خط - خال - چشم - ابرو - قامت) تناسب
برقرار است.

تضاد (تناسب منفی) بگونه‌ای دیگر سبب وسعت شبکه‌های موسیقایی و معنایی شعر میشوند.

فانی شده‌ام ز خویش ساغر صد شکر که نیست هست هستم
(همان: ۴۰۵)

پارادوکس: یکی از عواملی که باعث آشنایی‌زدایی و برجستگی کلام میشود، متناقض‌نما یا پارادوکس است. شاعران
با استفاده از این ویژگی، امور نقیض و ناآشنا را با هم آشتی میدهند و سبب آفرینش امر محال، که از زیباترین و
شگفت‌ترین جلوه‌های خیال است، میشوند. (بررسی انواع پارادوکس ...، رحیمی و نجفی: ص ۱).

سودها میبرد آن کس که خریدار تو شد من سودازده عشق تو سودم ضرر است
(دیوان ساغر: ۱۳۳)

رد العجز الی الصدر - رد الصدر الی العجز: ساغر کنگاوری در تمام ابیات یکی از غزلیات خود بشیوه‌ای هنرورانه و
گوشنواز از این دو آرایه بطور هم‌زمان بهره برده است. نظیر این مسئله در دیوان شاعران قبل و بعد از ساغر بندرت
دیده میشود.

تازه بیرون کردم از دل مهر ماه تازه‌ای تازه بستم دل به زلف دادخواه تازه‌ای
تازه تشبیهی نمودم روی ماهی را به مهر تازه افتادم عجب در اشتباه تازه‌ای
تازه سودم جبهه بر ایوان کیوان رفعتی تازه بالاتر ز گردون بارگاه تازه‌ای
(همان: ۵۲۰)

سطح واژگانی

واژه کوچکترین واحد معنادار است که انسان برای برقراری ارتباط و انتقال مفاهیم از آن استفاده میکند. از همین رو بسامد انواع گوناگون واژه‌ها در هر اثر به شناسایی سبک آن کمک میکند. سبک شعری ساغر بگونه‌ای است که علیرغم استفاده حداکثری از لغات رایج و پرکاربرد زبان فارسی، گرایش فراوانی برای تتبع از سبک عراقی در آن بوضوح دیده میشود. از همین رو کاربرد واژگان عربی، و اصطلاحات عرفانی، رندی و سمبلیک در دیوان ساغر دارای بیشترین بسامد هستند. البته در کنار آن اصطلاحات عامیانه، اشاره به اماکن تاریخی، عناوین کتابهای خاص، اصطلاحات موسیقی و واژگان ابداعی نیز بشیوه‌ای تحسین‌برانگیز بکار رفته‌اند که برگرفته از جهان‌بینی، گستره علوم و اطلاعات و سبک شخصی یا دوره‌ای شاعر هستند.

واژگان عربی: ساغر ادیبی است که بجهت تحصیل علوم چون تفسیر قرآن، حدیث، فقه و اصول و همچنین اقامت چندین ساله در شهرهایی چون کربلا و نجف بخوبی با زبان عربی و صرف و نحو آن آشنایی داشت. «استفاده از واژه‌های عربی در شعر بازگشت، حاصل ممارست و تمرین شعرا برای توانمندی در پیروی و تقلید از شعر دوره‌های گذشته بویژه اشعار دوره غزنوی و شعرایی چون منوچهری دامغانی است» (بازگشت ادبی ...، شاملو و دزفولیان: ص ۹۷).

واژه‌های عربی بکاررفته در دیوان ساغر عمدتاً از عبارات و ترکیبات پرکاربرد و شناخته‌شده عربی هستند. «الله اکبر، بحمدالله، استغفرالله، حاش الله، لا حول ولا قوه الا بالله، هو الغفور، هو الرحیم» نمونه‌هایی از این واژه‌ها هستند. واعظ شهر همه سوی بهشتم خواند حاش‌الله که در کوی توام باری هست الله‌الحمد که در طالع خوش ساغر را پاسبانی در خانه خماری هست (دیوان ساغر: ۱۷۷)

کاربرد ترکیبات عربی در دیوان ساغر گاهی بگونه‌ای است که بشیوه ملّمع تمامی یک مصراع را شامل میشود. تمامی ابیات غزل «جام صبحی» به این شیوه سروده شده‌اند:

ساقیا برخیز و درده جام را فلیکن فی مذهبی هذا مباح
احطم الطیر جناحاً من حسد چون ببندد نامه‌ای را بر جناح
(همان: ۲۱۹)

واژگان سمبلیک، عرفانی و رندی: در غزلیات و رباعیات ساغر بسیاری از اصطلاحات و کلمات عرفانی بکار گرفته شده‌اند که از آن میان میتوانیم به این موارد اشاره کنیم: تجلی، کرامت، ارادت، قضا، تقدیر، ازل، ابد، لقا، پرده حجاب، ذوق معرفت، صفات ذات و

تا که نقاش قضا خامه تقدیر کشید صورتی چون قدوبالای تو تصویر نکرد
منشی دهر به عالم ز ازل تا به ابد رقمی چون خط زیبای تو تحریر نکرد
(دیوان ساغر: ۲۵۳)

از دیگر گروه‌های واژگانی پرکاربرد در دیوان ساغر، اصطلاحات سمبلیک رندی و قلندری هستند که شاعر به پیروی از اشعار حافظ به استفاده از آنها همت گماشته است از جمله: دیر مغان، پیر میخانه، پیر ره، شیخ کامل، رند قدح‌کش، جام می، میکده، ساقی، سبحه، صهبا، خرابات، رند و خمار و

ما گبر و سر کوی تو بتخانه ما ما باده‌کش و چشم تو میخانه ما
از چشم خماین تو مستیم همه تو ساقی و تو می و تو پیمان ما
(همان: ۵۷۸)

واژگان و اصطلاحات عامیانه: کاربرد واژگان و اصطلاحات رایج در زبان مردم (عامیانه) کمابیش در برخی از اشعار دوره بازگشت به سبک شعر دوره صفویه امری متداول است. با اینحال استفاده از واژگان سست و به دور از فصاحت، علیرغم متمایل شدن بجانب سادگی، از صورت ادیبانه شعر کاسته و فخامت و زیبایی آن را تحت تأثیر قرار داده است. کاربرد این گروه از واژگان در دیوان ساغر بسیار محدود است و همین امر در مجموع زبان شعری او را در مقایسه با بسیاری از همعصرانش سالمتر و بی‌نقص‌تر جلوه میدهد.

ز اظهار محبت یار را از خود جدا کردم غلط کردم نفهمیدم پشیمانم چرا کردم
(دیوان ساغر: ۴۱۵)
هرگز نگفته‌ای بر من قاصد از وصال ای پاشکسته کاش شوی از زبان تو لال
(همان: ۳۸۴)

اشاره به اماکن تاریخی: در دیوان ساغر واژگان بسیاری در اشاره به شهرها و اماکن تاریخی بکار رفته است. این امر علاوه بر اینکه بلحاظ حفظ ارزشها و میراث‌های فرهنگی حائز اهمیت است، گاهی از طریق ایجاد صنعت ایهام ارزش بلاغی بسیاری نیز به شعر بخشیده است.

تنها همی هشت بهشت است چون مسیح چون آب خضر منبع الله اکبر است
معذور دار خاک مصلی ندیده است آن‌کس که گفت عنبر سارا معطر است
بوی بهشت اگرچه فرحبخش و جانفزا است اما نسیم روضه ازناو خوشتر است
یار رب چه چشمه‌ای است به بحرالارم کزو چون آفتاب صفحه گیتی منور است
شیراز اگرچه خرم و دلکش چو جنت است دارالشجاعه جنت و شیراز دیگر است
(همان: ۱۲۸)

«هشت بهشت» از عمارت‌های تاریخی شهر اصفهان است که در دوران صفویه ساخته شده است. «الله اکبر» نام کوهی در نزدیکی شیراز و «مصلی» جایی بغایت خوش و خرم در همان منطقه است که آن را عیدگاه نیز مینامند. «ازناو» نام قلعه‌ای از نواحی همدان و «بحرالارم» نام باغی در نزدیکی شهر بابل که به فرمان شاه عباس احداث گردیده است. همچنین منظور از «دارالشجاعه» ناحیه بافق است که از دوره صفویه بدلیل داشتن مردان و صاحب-منصبان شجاع و دلاور به دارالشجاعه مشهور شده است.

برخی از ابداعات، نوآوریها و نقاط ضعف شاعر

شیوه‌گزینش انواع واژه‌ها در هر اثری عامل بسیار مهمی در تعیین سرشت سبک‌های ادبی است. تنوع واژه‌ها بلحاظ مختصات معنایی، گونه‌های دلالت و ویژگیهای ساختمانی و همچنین فراوانی هریک از این طیف واژه‌ها زمینه‌ساز ایجاد انواع سبک‌های ادبی و کاربردهای زبانی است. نوآوریهای ساغر شامل دو دسته میشود؛ دسته اول شامل انواع ترکیب‌های وصفی یا اضافی است که از ابداعات این شاعر بشمار میرود، بگونه‌ای که بیشتر آنها از نوآوریهای ساغر است و برخی نیز بندرت در دیوانهای دیگر بکار رفته است. به تعدادی از این ترکیبات اشاره میکنیم: لاله ابدال منش،

شکنج زلفِ سیه‌فام، جولانگه ناز، بت عاشق‌شکار، چشم مه پرخمار، مشکین‌طرهٔ پیچان، ایوان کیوان‌رفت، برهمن‌زادهٔ عشق، چشم شیرحملة، آهوروش، غریق لجهٔ عشق، نوباوهٔ تاک و

نه میکند خلاصم و نه میکشد مرا دیدی چه میکند بُت عاشق‌شکار من
(دیوان ساغر: ۴۸۹)
نبود امید زندگیم جان کجا برد از چشم شیرحملة تو صید لاغری
(همان: ۵۴۶)

دستهٔ دوم از نوآوریهای ساغر، نگاه عارفانه و سرشار از ذوق به پدیده‌های طبیعت از طریق ذکر عناوین کتب و منابع مهم فلسفه، حکمت، حدیث و فقه است. خلاقیت و ابتکار ساغر در این زمینه در قیاس با دیگر آثار معاصران خود بی‌نظیر است.

گل نکرده است همی کشف حقایق به حدایق	گرده بی بلبل بیدل، نبود حل دقایق
به چمن سوسن آزاد نه تنها است مدرس	کرده تعلیم بسی حکمت اشراق شقایق
خود شفا یافته از کس که به مردم ز اشارت	سالکان را کند او جملگی ارشاد طرایق
حنظل جهل دگر شد که شکر نی به نیستان	داده بس چاشنی ذوق معارف به مذاق
سرو تجرید نخوانده شده یکباره مجرد	سبز کشف ندیده شده کشف حقایق
(همان: ۳۸۰-۳۶۴)	

در رابطه با نقاط ضعف شاعر باید خاطرنشان کرد که در بررسیهای بعمل آمده از پنجاه غزل ساغر، مشخص شد یازده غزل دارای عیوب قافیه هستند. این تعداد اگرچه قابل ملاحظه است اما باید دانست که همهٔ آن عیوب از نوع ایطاء (شایگان) هستند و در اثر هم‌قافیه کردن کلمات با حروف الحاقی حاصل شده‌اند. مانند نمونهٔ زیر:

ترک	صهبا	نمیتوان	کردن	کار	بیجا	نمیتوان	کردن
به	قد	سرو	نسبت	قدت	سروقد	نمیتوان	کردن
به	تو	گفته	است	مدعی	حرفی	کاشکارا	کردن

ویژگیهای ادبی

تشبیه: ساغر به تشبیه علاقه و توجه ویژه‌ای داشته است. بطور کلی سیر تشبیه از حدود قرن ششم تا دورهٔ بازگشت از پیچیدگی و دیریابی بسوی لطافت و روشنی و درعینحال با ژرفای معنوی در جریان بوده است؛ علت این امر نیز بطور کلی به سیر ادب فارسی وابسته است (رک: تحقیقی در شعر بازگشت ادبی،، ابراهیمی: ص ۲۹). استعداد و توانایی ذهنی بی‌نظیر ساغر در بکارگیری انواع تشبیه و آفرینش تصاویر و تعبیر خیالی، آن را به یکی از پربسامدترین عناصر بیانی در دیوان او تبدیل کرده است. در زیر نمونه‌هایی از انواع تشبیه آورده میشود:

پیش سرو قدت ای سرو روان، سرو چمن	چوب خشکی است که با قد بلند آمده‌است
(دیوان ساغر: ۱۵۲)	
این گل گل روی گلهذاری بودست	وین سنبل تر موی نگاری بودست
این سبزه که دور غنچهٔ گل بینی	خطی است که گرد روی یاری بودست
(همان: ۵۷۹)	

تشبیه تفصیل

سرو چمن همچو قد تو است ولیکن
چون رخ تو گلی به بار ندارد
(همان: ۲۱۴)

تشبیه جمع

ما گبر و سر کوی تو بتخانه ما
از چشم خماین تو مستیم همه
ما باده‌کش و چشم تو میخانه ما
تو ساقی و تو می و تو پیمانه ما
(همان: ۵۷۸)

تشبیه مشروط یا مقید

مه اگر بودش دو زلف از مشک ناب
چون تو بودی ای به رخ چون آفتاب
(همان: ۱۰۳)

تشبیه مضمّر

ابرو تست اینکه میبینم ز دور
یا که تیغ خسرو زرین‌رکاب
کرده است ماه‌پیکر من در نقاب رخ
یا آفتاب کرده نهان در سحاب رخ
(همان: ۲۲۳)

تشبیه مفرد به مفرد

نیست اندیشه ز چشم بدت ای مایه حسن
که رخت آتش و خالت چو سپند آمده است
(همان: ۱۵۲)

تشبیه مرکب به مرکب

از دل خود یادم آید اندر آن گیسو چو بینم
عندلیبی در شکنج دامی از غم میخروشد
دلم در زیر تیغش جان‌سپاریهای من ببند
چو آن مرغی که از کنج قفس طرف چمن ببند
(همان: ۲۹۳)

جدول بسامد انواع تشبیه در بررسی ۷۰ مورد از غزلیات و رباعیات ساغر:

انواع تشبیه	بلیغ	تفصیل	جمع	مشروط	مضمّر	مفرد به مفرد	مرکب به مرکب
تعداد	۵۰	۲	۲	۱	۱۵	۳۰	۲
درصد	۶۹/۴۴	۲/۷۷	۲/۷۷	۱/۳۸	۲۰/۸۳	۴۱/۶۶	۲/۷۷

استعاره: در اشعار دوره بازگشت، استعاره نیز همچون تشبیه در محور موضوعاتی چون معشوق و مصیبت‌های عاشق می‌گردد. پیوندهای موجود در میان واژگان ابیات در این دوره معمولاً آشکار و روشن هستند که البته شاعران خود این صراحت تصویری را نوعی ارزش ادبی بشمار می‌آورند. ساغر در ارائه استعاره از طریق بکارگیری ترفندهای زیبا، تصاویری گیرا و هنرمندانه آفریده است.

استعاره مصرحه

وَهْ بَه صَد تَدْبِير وَ اَفْسُون عَاقِبَتِ ساغر آهوچشم خود را کرده رام
(دیوان ساغر: ۳۹۵)
گرفت از غمزه‌ای صد کشور دل شهی کش افسر و لشکر نباشد
(همان: ۲۶۰)

در این ابیات «آهوچشم» و «پادشاه بدون تاج و لشکر» هر دو استعاره مصرحه از معشوقند.
مثالهای دیگر:

گل خودروی ما را کس ندیده لیک هر مرغی به شاخ گلینی گوید همی نام و نشان را (۳۵)
قراری گیر یکدم بیقراری تا به کی آخر که کردم آشنا با خود بت شیرین‌زبانی را (۶۵)

استعاره مکنیه

کِشْتِیم بَسی مهر تو را در دل پر غم جز هجر تو یا رب ثمری داشته‌باشد
(همان: ۲۶۷)
مهر و محبت معشوق به دانه یا محصولی تشبیه شده و کاشتن از نشانه‌های مشبیه محذوف است.
بود تا بگسلی این رشته را از پای خود ای دل به دام افتاده‌ای از پر زدن یک دم مشو غافل
(همان: ۳۹۸)

واژه «دل» به پرنده‌ای تشبیه شده که از نشانه‌های آن پر زدن برای رهایی از دام است.
مثالهای دیگر:

جدول بسامد انواع استعاره در مطالعه ۷۰ مورد از اشعار دیوان ساغر:

انواع استعاره	مصرحه	مکنیه
تعداد	۲۱	۱۹
درصد	۵۲/۵	۴۷/۵

مجاز: مجاز یکی دیگر از شگردهای ادبی است که بمنظور بیان عواطف و اندیشه‌های شاعرانه بکار میرود. این صورت از خیال نیز بعنوان شگرد ادبی در دیوان اشعار ساغر به اعتبار علاقه‌های متفاوت و با بسامد نسبتاً بالایی بکار رفته است.

مجاز به علاقه محلیه

به توام حاجتی ای شمع نباشد چو بود روشن از جام بلورین همه شب محفل من
(همان: ۲۲۰)
بی‌عشق تو زیستن نشاید یک لحظه زمین و آسمانها (همان: ۳)
ساغری نوش کن ای زاهد و بنگر که چه‌سان به تو خاصیت اکسیر دهد ساغر ما (همان: ۷۴)

مجاز به علاقه لازمیه

در ره بادیۀ عشق خطر در خطر است راه عشق است نخستین قدمش ترک سر است
(همان: ۱۳۲)

ترک سر به معنای فدا کردن جان است؛ این دو عبارت با یکدیگر رابطه لازم و ملزوم دارند.
مثالهای دیگر:

ساغر به در دیر مغان سر بنهادم شاید که شوم نزد همه مفتخر آنجا (همان: ۱۹)
قفسی نغز بدیدم، چه کنم معذورم نغمه‌ای گر نبود ساحت گلزار مرا (همان: ۴۸)
گدای کوی عشقم من بود آیا که بگذارم سری در پای شاهی خسرو زرین‌رکاب اما (همان: ۶۸)

مجاز به علاقه ماکان

شاید که شه از وفا ببوید صد گل بدمید از گل ما
(همان: ۸۱)

با توجه به اینکه وجود فعلی انسان از گل یا همان خاک است، بکار بردن این واژه در معنای وجود و پیکر انسان، مجاز به علاقه ماکان است.

مجاز به علاقه جنسیه

تو شادکام که جان میستانی از من و من به این خوشم که خدنگت به دل خطا نکند
(دیوان ساغر: ۲۹۰)
خدنگ، نام درختی است بسیار سخت و محکم که از چوب آن تیر و نیزه میساخته‌اند. در این بیت، شاعر بجای کاربرد واژه تیر یا نیزه، جنس آن را با واژه خدنگ بیان کرده است.
وصف تو را هرکسی کند به زبانی ساغر بیدل به جام باده و مینا (همان: ۱۷)

مجاز به علاقه موصوف و صفت

امروز ز چشم سیاهی سرخوش و مستم حاجت به می و خانه خمار ندارم
(همان: ۴۳۳)

* چشم سیه، در واقع صفتی است که شاعر بجای ذکر موصوف آن را بکار برده است.
مثالهای دیگر:

جایی که منم تا که ز شادی بدهم جان آن شوخ جفا جو گذرد بیخبر آنجا (همان: ۱۹)
حدیث بوستان و سبزه و سنبل مگو ییدم خط سبزی و زلف تابداری کرده‌ام پیدا (همان: ۲۰)
با ما تو مگو حدیث رضوان، حافظ ای خانه‌خراب، لامکان خانه ماست (همان: ۵۷۹)

مجاز به علاقه کلیه

چون میکشی ز خونم دستی خضاب میکن بر کشته خود آخر اتمام کن وفا را (همان: ۳۴)
مگذار به آن طره رسد دست کس امشب از بهر خدا تار مگردان شب ما را (همان: ۲۴)

در تمامی مثالها کل یک شیء به جای جزئی از آن بکار رفته است.

مجاز به علاقه جزئی

بر هر که بینم دارد او از عکس رویت آیتی این است کز شاه و گدا از پارسا جویم تو را (همان: ۵۸)

شاه، گدا و پارسا مجاز از همه مردم هستند.

مثالهای دیگر:

ای متحیر ز ذات تو همه اشیا وی نه ز کنه تو مطلع هر دل دانا (همان: ۶)
ما دلشدگان بنده شاپور شهیم فرمانده چرخ اخضر و مهر و مهیم (همان: ۵۸۱)

جدول بسامد انواع مجاز در مطالعه ۷۰ مورد از اشعار دیوان ساغر:

انواع مجاز	محلّیه	لازمیه	ماکان	جنسیه	موصوف و صفت	جزئیّه	کلیه
تعداد	۱۴	۴	۲	۲	۵	۲۲	۴
درصد	۲۶	۷/۵	۳/۷۷	۳/۷۷	۹/۴۳	۴۱/۵۰	۷/۵

ایهام: ایهام و انواع مختلف آن از صنایع بدیعی است که در دیوان ساغر به زیبایی جلوه مینماید. این صنعت ادبی در دیوان ساغر از طریق ایجاد دو یا چند معنا، سبب وسعت گستره تخیل شاعر و نیز تصویرآفرینی، لطافت شعر و التذاذ خاطر شده است.

مانند نمونه‌های زیر:

هر لاله که روپیده در اطراف چمن از روی تو داغی به دل خویشان است (همان: ۵۸۰)

واژه «داغ» در دو معنای «مصیبت» و «سیاهی میان گل لاله» دارای ایهام است.

صف کشیده است به پیرامن چشمتم مژگان / یا به خونریزی مردم، حشم چنگیز است (همان: ۱۳۵)

واژه «مردم» در دو معنای «افراد» و «مردمک چشم» دارای ایهام است.

مثالهای دیگر:

از کین زده زخم و نیست کاری / فریاد ز دست قاتل ما (همان: ۸۱)

هر لاله که روپیده در اطراف چمن / از روی تو داغی به دل خویشان است (همان: ۵۸۰)

ساقی قدحی چند که کارم شده از دست مطرب قدری ساز بکن بربط و نی را

(همان: ۶۰)

واژه «ساز» در این بیت جزئی از عبارت فعلی «ساز کردن» بمعنای «مهیّا کردن» است اما در معنای ابزار موسیقی -

که مد نظر نیست- با بربط و نی ایهام تناسب دارد.

به کویت گشته‌ام من خاک و ترسم به دامن تو نشیند غبارم

(همان: ۴۲۷)

واژه «خاک» در این بیت بمعنای «فروتنی» است اما در معنای اصلی خود بعنوان یکی از عناصر اربعه، با واژه «غبار» ایهام تناسب دارد.

مثالهای دیگر:

پیر میخانه به ساغر دو سه جامی بچکان
تا به سر از غم عشق تو خمارست مرا (همان: ۴۰)
گر خط تو زرد است شگفتم نبود
هر سبزه که بر آب خورد زرد شود (همان: ۵۸۰)

ایهام تضاد

چه بزم است وصال که هرکس
رود جمع آنجا پریشان برآید
(دیوان ساغر: ۲۹۸)
واژه «جمع» در بیت بمعنای جلسه یا گردهمایی است اما در معنای «خاطر جمعی و آسودگی»- که مدنظر نیست- با واژه «پریشان» ایهام تضاد دارد.

از تو برآشفته نه سپهر معلق
وز تو سکون آب و خاک و صخره صما
(همان: ۱۷)
* واژه «برآشفته» بمعنای شکلگیری و مرتفع بودن آسمانهاست اما در معنای «بی‌نظمی و بهم‌ریختگی» که مدنظر نیست، با واژه سکون دارای ایهام تضاد است.

ایهام ترجمه

من اگر بسته آن زلف شدم خرده مگیر
کیست آن کس که به این سلسله زنجیر نشد
(همان: ۲۷۴)
واژه «زنجیر» در این بیت معادل کلمه عربی «سلسله» است و شاعر از این دو واژه تنها یک معنی را اراده کرده است.

ایهام تبادر

جز چهره زرد و اشک گلگون
در عشق تو نیست حاصل ما
(همان: ۸۱)
واژه «گلگون» سرخی رنگ گل را به ذهن متبادر میکند که با واژه «زرد» ایهام تبادر میسازد.
در کوی تو ریزم کف خاکی به سر خود
وقتی که کنم چاره این چشم تر آنجا
(همان: ۱۹)

واژه «تر» آب را به ذهن متبادر میکند که با واژه «خاک» ایهام تبادر میسازد.

جدول بسامد انواع ایهام در مطالعه ۷۰ مورد از اشعار دیوان ساغر:

انواع ایهام	ایهام	ایهام تناسب	ایهام تضاد	ایهام ترجمه	ایهام تبادر
تعداد	۷	۱۴	۱	۳	۸
درصد	۲۱/۲۱	۴۲/۴۲	۳/۰۳	۹/۰۹	۲۴/۲۴

تلمیح: تلمیح در دیوان ساغر دستمایه‌ای برای هنرپردازی است که با بهره‌گیری از منابع فرهنگ قرآنی، احادیث، نهج‌البلاغه و همچنین داستانهای تاریخی و اسطوره‌های ملی و عاشقانه پدید آمده است. تلمیح به احادیث قدسی

به سراغش تو مکن کوشش بیجا ساغر جای او نیست مگر در دل ویرانی چند
(همان: ۲۸۶)

مصراع دوم بیت در اشاره به حدیث قدسی «انا عند المنکسره قلوبهم» بکار رفته است. تلمیح به آیات قرآن

هر کجا خاکت بهشت اندر بهشت آمد عبیر هر کجا آبت جهان اندر جهان ماء معین
هر پریشان سنبل تو شرم روی یار من هر خمارین نرگس تو اشک چشم حور عین
(همان: ۴۹۹)

بیت اول در اشاره به آیه ۳۰ سوره ملک بکار رفته است: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ». مصراع دوم از بیت دوم نیز برگرفته از آیه ۵۴ سوره دخان است: «كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ»

گاهی ز دل گاهی ز جان ای دلربا جویم تو را هرچند در دل نیستی اما به جا جویم تو را
در کعبه و دیر مغان رفتم ندیدم روی تو ای دلبر هرجاییم آخر کجا جویم تو را
(همان: ۵۵)

عبارت دلبر هرجایی در اشاره به آیه ۱۱۵ سوره بقره بکار رفته است: «و لله المشرق و المغرب فاین ما تولو فثم وجه الله ان الله واسع علیم». مثالهای دیگر:

شد گل ما با می عشقش مخمر از الست / شیخ میخواهد به آسانی دهد تغییر ما (همان: ۷۶)

از وهم و گمان برونی اما / هر کس به تو میبرد گمانها (همان: ۳)

تو پیر میکنده جامی ده که باشد به / ز سلسبیل و ز کوثر می مغانه تو (همان: ۵۰۶)

تلمیح به نهج‌البلاغه

ای متحیر ز ذات تو همه اشیا وی نه ز کنه تو مطلع هر دل دانا
(همان: ۶)

مضمون بیت برگرفته از این خطبه امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه است: «الَّذِي لَا يُدْرِكُهُ بُعْدُ الْهِمَمِ وَلَا يَنَالُهُ غَوْصُ الْفِطَنِ» (نهج‌البلاغه، ج ۱: ۱۴).

با ما تو مگو حدیث رضوان واعظ ای خانه‌خراب لامکان خانه ماست
(دیوان ساغر: ۵۷۹)

بی جایی و بی مأوی ما بیهده و بیجا جویم تو را هرجا ای دلبر هرجایی
(همان: ۵۷۱)

بی جا و مأوی بودن خداوند برگرفته از این خطبه امیرالمؤمنین نیز میتواند باشد: «لایشغله شان و لا یغیره زمان و لا یحویه مکان و لا یصفه لسان...» (نهج‌البلاغه: ج ۲: ص ۹۷).

تلمیح به داستانهای تاریخی پیامبران

بگیر دامن نوحی به کام دل ساغر	که بحر عشق بتان باشدش شبی امواج
	(دیوان ساغر: ۲۱۳)
چو یعقوب از غمت ای یوسف حسن	زنم تا کی در این بیت‌ال‌حزن داد
	(همان: ۲۲۵)
تا به کی خود را کشد و زنده کند	همه دانند که اعجاز مسیحا دارد
	(همان: ۲۲۸)

تلمیح به اسطوره‌های ملی و غنایی

سرّ انا الحق زاهدا ظاهر شد از ساغر ولی	کشتن توان در گوشه‌ای اندر سر دارم مکش
	(همان: ۳۳۴)
ز لیلی‌طلعتی شوخ دل من	چو مجنون دامن صحرا گرفته است
	(همان: ۱۵۵)
کند شیرین به ناکامی خسرو	نگاهی جانب فرهاد یا نه
	(همان: ۵۲۶)

ویژگیهای قلمرو فکری

ساغر کنگاوری اگرچه بسان دیگر شاعران دورهٔ بازگشت ادبی بلحاظ مضمون‌پردازی پیرو سبک قدما است، «با اینحال غزلسرایان دورهٔ قاجاریه را اگر با غزلسرایان اعصار ماقبل بسنجیم، نه تنها از دیگران بازنمیمانند بلکه همواره نوعی لطف و زیبایی و مضمون‌آفرینی در غزلهای آنان است که گاهی مرز غزلیات حافظ و سعدی را می‌چشانند» (سبک شعر در عصر قاجاریه، تجربه‌کار: ص ۱۸۹). موضوعاتی که ساغر به آنها توجه نشان داده بیشتر شامل مضامین عاشقانه، عارفانه، فلسفی، مدح و شکواییه است.

مضامین عاشقانه: عمدهٔ غزلیات ساغر دربرگیرندهٔ مجموعه‌ای از حالات عاشقانه و موضوعاتی از قبیل وصل و فراق، لطف و قهر، غرور و تسلیم، صبر و یأس و غم و شادی است. اظهار تواضع و فروتنی بیش از حد عاشق در برابر معشوق از خصوصیات است که غزل در دورهٔ بازگشت بخود گرفته است.

ما درد تو را به جان خریدیم	این درد به از دواست ما را
در پای سگ تو جان فشاندیم	این مرتبهٔ بقاست ما را
خاک در آستانهٔ تو	در دیده چو توتیاست ما را
بر درگاه شه چو ما گداییم	شاهی جهان سزاست ما را
	(دیوان ساغر: ۳۱)

مضامین عارفانه: ترجیح باده‌نوشی، جام صهبا و سرای مغان بر زهد و توبه و پارسایی و اشاره به مفاهیمی چون مستی رندانه، رهایی از دو جهان و گذشتن از بهشت و برزخ از مفاهیم عارفانه‌ای است که زیبایی در دیوان ساغر مجال بروز پیدا کرده‌اند:

من آن نیم که ره علم و زهد و توبه گزینم	ز خیل باده‌فروشان گروه دُرْدکشانم
کنون به جرعه‌ای از هر دو کون گشته‌ام آزاد	غلام مغیچگان و مرید پیر مغانم

ز پیر میکده کردم سؤال راه نجاتم در سرای مغان را ز لطف داد نشانم
(همان: ۴۵۰)

مضامین فلسفی و کلامی: مجموع اشعار ساغر بلحاظ آموزه‌های حکمی و مسائل علم کلام، دربرگیرنده موضوعاتی رایج چون یگانگی خدا، تقدیرگرایی، جبر و اختیار، وحدت وجود و برخی دیگر از مسائل فلسفی است؛ ازهمینرو اهداف و مقاصد او را از پروردن اینگونه مضامین نمیتوان ترویج مکتب کلامی خاصی تعبیر کرد. ابیات ذیل یکی از زیباترین غزلیات ساغر در باب مسئله وحدت وجود است:

بود خورشید در هر ذره موجود به هر قطره بود بحری محقق
اگر علت تویی پس کیست معلول اگر مصدر تویی پس چیست مشتق
مفصل آمد اینجا ظلّ مجمل نیفتد عکسی از انوار مطلق
(همان: ۳۶۳)

او همچنین یگانگی خداوند و اشتیاق فراوان خود به حضرت جانان را اینگونه توصیف میکند:

چشم کج‌بینی برآرم پشت پا بر لا زخم دیده بر رخسار از منظر آلا کنم
خویش را فارغ کنم از جسم و جان عریان شوم رو بسوی حضرت جانان جانبخشا کنم
(همان: ۴۵۹)

جبر و اختیار یکی دیگر از مسائل کلامی است که بصورت بحث‌برانگیزی اغلب فلاسفه، متکلمان و شعرا در آثار یا سروده‌های خود به آن پرداخته‌اند:

مرا در دل غم عشق نگاریست غمست این یا که اندر دل شراری است
مکن ناصح تو از عشقم ملامت تو پنداری که ما را اختیاراست
(دیوان ساغر: ۱۸۸)

مضامین مدح‌آمیز

مدح امیرالمؤمنین (ع):

مشکل لب‌تشنگان آسان کنم چشمه سازم چشم و آنکه چشمه را دریا کنم
سینه را صافی ز نقش غیر اندر لوح دل صیقل از نام علی عالی اعلی کنم
(دیوان ساغر: ۴۶۰)

مدح امیران قاجار: در میان سی‌وشش مورد از غزلیاتی که به مدح شاهزادگان قاجار خاتمه مییابد، بیست‌وشش مورد متعلق به شیخ‌الملوک، شاپور قاجار است:

کشته‌ام تخمی در بندگی شاه جهان آخر کشته شود سبز، رسد وقت درو
جم‌خدم شیخ ملوک آنکه سبک‌تک خنگش نعل و گوی دمش از مهر بود وز مه نو
(همان: ۵۱۳)

مضامین شکوه‌آمیز

شکایت از هجران یار

دل از غم هجران تو خون شد چه توان کرد امروز ز هجران تو ای سرو خرامان	آن خون همه از دیده برون شد چه توان کرد فریاد من از دوش فزون شد چه توان کرد (همان: ۲۵۱)
شکایت از همنشینی معشوق با اغیار آمد به حرف دشمن و ننشست و زود رفت با غیر آمد او ز برای عیادت	جانی که داشتم به لب او را ربود رفت دردی که داشتم به دل او را فزود رفت (همان: ۱۹۳)
شکایت از عدم عنایت پادشاه ممدوح ز دست رفته و زارم در این دیار نکرد سپهرمرتبۀ شاپورشه که خود ساغر	کسی به شاه جهان عرض این گدا هرگز نریخت بادۀ صافی به جام ما هرگز (همان: ۳۲۳)
شکایت از قاصد بی پیغام پایت شکند، لال شوی کز تو ندیدم	قاصد بجز آمدش بسیار دگر هیچ (همان: ۲۱۴)

نتیجه‌گیری

در غزلیات بررسی‌شده از ساغر کنگاوری، از لحاظ سطح زبانی و موسیقی بیرونی، دوازده وزن پرکاربرد بچشم می‌آید که بیشترین بسامدها متعلق به بحرهای هزج و رمل هستند. بیش از ۶۰ درصد اشعار مردف هستند و تنوع انواع قافیه و ردیفها در ایجاد موسیقی کلام و تکمیل معانی و مفاهیم مؤثر افتاده‌اند. بکار بستن فنون مختلف در ایجاد انواع جناس، تکرار و تناسب سبب ایجاد شبکه‌های گسترده‌ای از واژگان متناسب و شاهکارهای ادبی شده که گویای سطح اطلاعات، مهارتها و اعجاز بیانی شاعر هستند. در سطح واژگانی، بسامد بالای واژگان عربی و اصطلاحات عرفانی و آیینی به تقلید و پیروی از شعر دوره‌های گذشته، خصوصاً سبک عراقی، قابل مشاهده است. در کنار آن وجود برخی نوآوریها و ابداعات در زمینه‌ی واژه‌سازی، کاربرد اصطلاحات رایج در زبان عامیانه و واژگانی در یادآوری مراکز تاریخی، هر یک برگرفته از جهان‌بینی و سبک شخصی یا دوره‌ای شاعر هستند. از لحاظ قلمرو ادبی، تکیه اصلی ساغر بر تشبیه است. در عین حال استعاره، مجاز، ایهام و تلمیح نیز از دیگر صنایع پرکاربرد در دیوان او هستند که سبب وسعت گسترده‌ی خیال، لطافت شعر، تصویرآفرینی و التذاذ ادبی شده‌اند. مدح، شکیوه و مضامین عاشقانه، عارفانه و فلسفی پررنگ‌ترین درونمایه مسلط بر دیوان شاعر بشمار می‌آیند. ساغر کنگاوری در زمره شعرائی است که در سرودن غزل از مهارت و خلاقیت خاصی برخوردار است که همواره یادآور زیبایی و مضمون‌آفرینیهای غزلیات حافظ و سعدی است. رباعیات او نیز به همین میزان پخته و دارای طراوت هستند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی استخراج شده است. آقای دکتر عبدالرضا نادری‌فر راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی

این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم زینب حیدری فرد به عنوان پژوهشگر این پایان‌نامه در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله، حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه رازی و هیئت داوران رساله که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Divan Beigi Shirazi, Ahmad ibn Abul Hassan. (1985). Hadiqa al-Shu'ara, By the effort of Abdolhossein Navai, Tehran: Zarrin, p.723.
- Mahmoud Mirza Qajar. (1964). Safineh Mahmoud, by the efforts of Abdul Rasul Khayyampour, Tabriz: Shafagh, p.373.
- Mohammad Ibrahim Malmir and Ghafourian, Maryam. (2013). Bade Alast (Description of Saghar Kangavari's Divan), Tehran: Ansari.
- Natel Khanlari, Parviz. (1994). The Rhythm of Persian Poetry, Tehran: Toos, p.16.
- Oveyssi, Abdul Ali. (2011). Foroughi Bastami and Ghazal of Return, *Journal of Lyrical Literature*, Sistan and Baluchestan University, 9 (16), pp. 24-5.
- Rahimi Zanganeh, Ebrahim and Najafi, Azita. (2013). Investigating the Types of Synthetic and Semantic paradoxes in Monzavi's Gazelles, *7th Persian Language and Literature Research Conference*, pp.853-860.
- Shamloo, Akbar and Dezfulian, Kazem. (2008). Literary return and linguistic Coordinates of Poetry of that period, *Journal of the History of Persian Literature* (No. 3/59), pp. 102-90.
- Tajrobekar, Nosrat. (1971). Poetry Style in the Qajar Era, Tehran: Toos.
- Zolfaghari, Mohsen. (2000). Culture of Poetry Music (Critical Analysis of Persian Poetry Music). Tehran: Agah, p.131.

فهرست منابع فارسی

- باده‌الست، المیر، محمدابراهیم و غفوریان، مریم (۱۳۹۲). شرح دیوان ساغر کنگاوری، تهران: انصاری.
- بازگشت ادبی و مختصات زبانی شعر آن دوره، شاملو، اکبر و دزفولیان، کاظم. (۱۳۸۷) مجله تاریخ ادبیات فارسی (شماره ۳/۵۹)، صص ۱۰۲-۹۰.

بررسی انواع پارادوکسهای ترکیبی و معنایی در غزل منزوی، رحیمی زنگنه، ابراهیم و نجفی، آریتا. (۱۳۹۲). هفتمین همایش پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی، صص ۸۶۰-۸۵۳.

تحقیقی در شعر بازگشت ادبی و مقایسه آن با شعر خاقانی و حافظ، ابراهیمی، مختار (۱۳۸۳). نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۱۵ (پیاپی ۱۲)، صص ۲۳-۴۲.

حدیقه‌الشعراء، دیوان بیگی شیرازی، احمد بن ابوالحسن. (۱۳۶۴). به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: زرین.

سبک شعر در عصر قاجاریه، تجربه کار، نصرت (۱۳۵۰). چاپ دوم، تهران: توس.

سفینه‌المحمود، محمود میرزا قاجار (۱۳۴۳) به تصحیح عبدالرسول خیام‌پور، تبریز: شفق.

فروغی بسطامی و غزل بازگشت، اویسی، عبدالعلی (۱۳۹۰). پژوهشنامه ادبیات غنایی. دانشگاه سیستان و بلوچستان، (۱۶) ۹، صص ۲۴-۵.

فرهنگ موسیقی شعر، ذوالفقاری، محسن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی بر موسیقی شعر فارسی، تهران: آگاه.

وزن شعر فارسی، ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۳). تهران: توس.

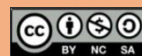
معرفی نویسندگان

عبدالرضا نادری‌فر: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
(نویسنده مسئول: Email: a.naderifar@razi.ac.ir)

زینب حیدری‌فرد: دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
(Email: zheidari100@gmail.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introducing the authors

Abdolreza Naderifar: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.
(Email: a.naderifar@razi.ac.ir : Responsible author)

Zeinab Heydarifard: Graduated from the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.
(Email: zheidari100@gmail.com)